

احمد شاه عبادی

سخنی چند پیرامون اجلاس رهبری احزاب سازمانها و حلقات ایجاد شده از بدنه حزب وطن، سابق ح. د. خ. ا وعده یی از شخصیتهای غیر متشکل برای تدویر مجمع عالی مؤرخ

30 - 31 جنوری 2010

بیانیه هایی پرمایه، شفاف و راه گشایی حزبیهای متعهد دستاورد های این اجلاس پُراهمیت
میباشد.

ح. د. خ. ا، تازمانیکه در مجموع یک حرکت دموکراتیک و تجدد خواه و مترقی بود و هنوز
حزب ایدلوژیک نبود و بر مبنی اصولی از جمله: دفاع از آزادی، مبارزه با استعمار، دفاع از
استقلال و تمامیت ارضی و حمایت از زحمتکشان حرکت خود را آغاز کرده بود به همین
سبب موفق بود و در زمان کوتاهی اقشار وسیع از مردم را به خود جلب کرد ولی زمانیکه
آن را از راه و روش آغازین خود منحرف ساختند و آن را به ابزار سیاسی اتحاد شوروی بدل
کردند، به خطا رفت.

برای آگاهی نسل جوان باید توضیح داد که اتحاد شوروی پس از جنگ جهانی دوم و به
خصوص در جریان جنگ سرنوشت ساز علیه آلمان نازی و در مقابل امریکا و انگلستان
مورد احترام عمیق اقشار وسیع مردم و آزادیخواهان بود و در افکار عامه روشنفکر،
ترقیخواه و وطنپرست چون دژ صلح و آزادی و مدافع ملل تحت ستم مجسم بود، که بر
بستر چنین زمینه روانی، حتا عناصر مستقل رهبری ح. د. خ. ا، اعضا و کادرهای آن
صادقانه دوستدار اتحاد شوروی و ستایشگر آن بودند، هرگز تصور نمیکردند که کشور شورا
ها چشم طمع داشته باشد و رفتار مغایر آزادی خلقها را مرتکب شود و دروغ بگوید، در

چنین زمینه و آماده گی ذهنی و صداقت انقلابی بود که وابسته گی به شوروی را آسان مینمود برخلاف اصل انترناسیونالیسم کارگری انحرافات به وقوع پیوست. درباره سرشت تاریخی و اهداف اولی ح. د. خ. ا و ریشه یابی اشتباهات گذشته جنبش تذکراتی ملموس در بیانیه های راهگشای اشتراک کننده ها در حاشیه اجلاس هامبورگ بیان شده است که تا اندازه یی جای هرگونه خلای نقد از رفتار گذشته را پُر نموده است، باید گفت که خدمات یا اشتباهات و خطا های تاریخی ح. د. خ. ا (وطن) از یک مقوله نیستند که بتوان آن را جمع و تفریق کرد. بررسی اشتباهات این حزب جای خود را دارد و از لحاظ آموختن از اشتباه های دیگران بسیار مفید و آموزنده است. اما در اینجا باید به موضوع اصلی اجلاس اتحادیه نیروهای چپ، دموکرات و میهنی و تدویر مجمع عالی پردازیم.

برخی سازمانها و رفقای عزیز؛ تشکل نیروها، سازمانهای چپ و دموکراتیک و میهنی (اتحادیه) و تشکل یک جبهه وسیع دموکراتیک از تمام نیروهای آزادیخواه ملی و تقدم یکی بر دیگری از این دو را مغالطه آمیز درک و تشخیص مینمایند.

بایدگفت، اینها دو مقوله بکلی متفاوت و دارای وظایف و اهداف مختلف هستند. گام برداشتن در راستای تشکل حزب سرتاسری مدافع زحمتکشان واحد سیاسی نیروهای چپ دموکراتیک به این چشم انداز است که به پراکنده گیهای موجود پایان دهد، به جای چندین نهاد و سازمان، به جای چندین نشریه یی ارگان، یک نشریه مشترک که با تیراژ بیشتر و محتوای غنی تر به دور از قید و بندهای مصوباتی، قطعنامه یی و اعلامیه های احزاب و سازمانها به میان آید. در باره هویت چپ دموکراتیک و وظایف آن و ویژه گیهای آن در نشرات و مقاله های متعدد توضیح داده ایم.

چپ نماها و هم آن بخشی «چپ» که هنوز از دیکتاتوری پرولتاریا دفاع میکنند هنوز درک شان از آزادی همان درک سنتی است و نباید با آن همراه شد. چنین جریانها ضرر شان به

جامعه کمتر از راست نیست، برجسته ترین عنصر هویت چپ نقاد و دموکرات دفاع از محرومان جامعه و تأمین عدالت اجتماعی بادرک نوین در ارتباط آن با آزادی و دموکراسی است، آزادی و عدالت اجتماعی دو رکن اصلی اندیشه و عمل آنست.

به عقیده نگارنده، چپ نقاد و دموکرات بر خلاف سنت قدیمی نباید مهم ترین مسأله در هر تحول و انقلاب را کسب قدرت بداند، زیرا اساس قرار دادن چنین هدفی به آن جا می انجامد که توسل به هر وسیله یی برای کسب قدرت توجیه شود، کودتا، توطئه و ترور و بندوبست اقدامهای انقلابی تلقی شوند. باید بگوئیم که اول چپ به تنهایی قادر به کسب قدرت از طریق سیاسی و مسالمت آمیز نیست و ثانیاً کسب قدرت اساساً مشغله اصلی فکری ما نمی باشد، آنچه ما میخواهیم تحول سیاسی و مسالمت آمیز جامعه به سوی آزادی و دموکراسی و تأمین حقوق بشر و دفاع از منافع زحمتکشان و تمامی مردم افغانستان است. (کاری که ده سال است هوگو چاویز و . . . در ونزوئلا به انجام ظفرمند آن نایل آمده اند)

وظیفه اصلی ما در یک جمله، مبارزه برای دستیابی اهداف فوق و تحقق هر چی گسترده تر عدالت اجتماعی است، چی در اپوزیسیون باشیم و چی همراه سایر نیروها در حاکمیت قرار گیریم.

اما ائتلاف با نیروهای سیاسی دیگر، مقوله یی دیگرست و پاسخ به نیازی است که هم اکنون در اپوزیسیون به شدت احساس میشود، دولت کابل و حامیان خارجی آن تجربه به اصطلاح دموکراسی را بد نام و زخم چرکین کرده اند، فجیع ترین افتضاع آن هم انتخابات جعلی بود که آوازه آن سرتاسر جهان را به حیرت انداخته است، در اوضاع دشوار کنونی جایی نیروهای مترقی و آزادیخواه و ملی در کشور خالی است به همین سبب دستیابی به ائتلاف بر اساس یک پلاتفورم و منشور آزادیخواهانه و پیشرو و مترقی ضرورت مبرم به

شمار میرود تا به یک نیروی نسبتاً قوی بتواند به مثابه الترناتیف در مقابل جریانهای ارتجاعی پاسداران نظام کهنه در حیات سیاسی کشور حضور فعال داشته باشد.

تفاوت اساسی میان این دو مقوله، در ترکیب نیروها و اهداف آنهاست. لذا هیچ کدام آن بر دیگری تقدم و اولویت ندارد. ما در هر حال برای پیشبرد هر دو موضوع فعالیت میکنیم، اگر یکی زودتر به نتیجه رسید ناشی از شدت وضعیت مشکلات و موانع در هر کدام آنهاست.

پیروز باد داعیه اتحاد نیروهای مردمی و داد خواه افغانستان .

www.ayenda.org